

کنفرانس مرکز دیالوگ و ترقی - ژنو در مشارکت با دانشگاه آکدنیز، تحت عنوان

گفتمان ملی؛ نقش جامعه مدنی، زنان، و آینده افغانستان

۱۶-۱۷ مارچ ۲۰۲۳، آنتالیا، ترکیه

خلاصه مباحث و پیشنهادات

به روزهای ۱۶ و ۱۷ مارچ ۲۰۲۳، بیش از ۶۰ تن از رهبران جامعه مدنی، شخصیت های سیاسی، متخصصان جوان، فعالان، روشنفکران، فعالان حقوق بشر، خبرنگاران، اعضای جامعه افغانستان و مردان و زنان با پیشینه مختلف اجتماعی-سیاسی، به عنوان بخشی از دومین کنفرانس گفتمان ملی؛ نقش جامعه مدنی، زنان و آینده افغانستان در شهر آنتالیای ترکیه گرد هم آمدند. با تکیه بر گفتگوهای ژنو (۱۳ تا ۱۴ اکتبر ۲۰۲۲)، شرکت کنندگان به طور گسترده در مورد چالش های پیش روی افغانستان، و نقش جامعه مدنی، نیروهای سیاسی دموکراتیک، و زنان در بازگرداندن صلح، حکومت داری دموکراتیک و جلوگیری از جنگ بحث و تبادل نظر نمودند.

در نتیجه تعاملات عمیق، گفتگوها، میزگردها، پرسش و پاسخ و تحلیل های تخصصی، شرکت کنندگان در گروه های کاری مختلف کنفرانس نکات کلیدی زیر را برجسته نمودند:

گفتمان ملی، بازگرداندن صلح و دموکراسی

علیرغم این ادعا که صلح (منفی) به افغانستان رسیده است، این کشور برای ایجاد صلح پایدار و جلوگیری از جنگ داخلی به یک گفتگوی ملی نیاز فوری دارد. تلاش در مجالس داخلی و بین المللی برای پیدا نمودن بدیل در برابر طالبان، اهمیت یکپارچگی میان نیروهای دموکراتیک در داخل و خارج از افغانستان را برجسته می سازد. ایجاد روایتی که رویکرد غیر دموکراتیک طالبان را به چالش می کشد، پیش نیاز هر گفت وگویی است.

تضمین صلح و حفظ آن مستلزم پرداخت به جنبه های مختلف منازعه است. این امر مستلزم گفتمان عمیق و صریح در میان شهروندان کشوری است که نزدیک به ۵۰ سال است در منازعه قرار دارد. ایجاد فرهنگ صلح لازمه ی دستیابی به صلح است. صلح مثبت تنها زمانی حاصل می شود که منافع همه گروه ها، از جمله طالبان، در چارچوب مورد بحث، در نظر گرفته شود. برای پاسداری از ارزش هایی که به تأمین صلح و ارتقای وحدت و رفاه کمک می کند، باید آنها را در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه در نظر بگیریم.

تجربه حکومت‌داری محلی در افغانستان نشان می‌دهد که یکی از راه‌های دستیابی به صلح، مسئولیت‌پذیری و مشارکت عمومی می‌تواند تفویض اختیارات اداری و سیاسی و عدم تمرکز باشد.

مشروعیت، حکومت فراگیر و کثرت‌گرایی

در حالیکه نظرات مختلفی به ارتباط تعریف مشروعیت و همه شمولیت وجود دارد، تنها مکانیزمی که می‌تواند حکومت مشروع و فراگیر را تعیین کند، انتخابات است. قانون اساسی سال ۱۳۸۳ شریعت را در همه بخش‌ها مورد توجه قرار داد و حقوق اساسی شهروندان را نیز تسجیل نمود. بدون قانون اساسی ای که مبتنی بر اراده مردم باشد، نمی‌توان کشور را اداره کرد. قانون اساسی گرای ریشه و جایگاه خود را در اولین جوامع مسلمان دارد و در طول زمان در اکثر کشورهای مسلمان توسعه یافته است. باید از درس‌های آموخته شده از این جوامع و کشورها برای ایجاد یک حکومت مبتنی بر قانون اساسی و نماینده و پایبند به اصول شریعت استفاده کرد. دولت فراگیر یا همه شمول را می‌توان بر اساس معیارهای مردمی و بین‌المللی تعریف کرد، نه حضور سمبولیک یک تعداد چهره‌ها.

قانون اساسی گرای و شریعت

بر این اجماع وجود داشت که افغانستان نیازمند یک قرارداد اجتماعی جدید در قالب قانون اساسی است که تعیین کند اراده مردم چگونه منجر به ایجاد یک حکومت قانونی می‌شود. حکومت طالبان نه مشروعیت داخلی دارد و نه بین‌المللی. کارشناسان شریعت تاکید نمودند که بر سر تعریف واحدی از شریعت اتفاق نظر وجود ندارد. علاوه بر این، تاکید شد که طالبان برای توجیه اقدامات خود شریعت را اشتباه تفسیر کرده‌اند. در اسلام برای استقرار رژیم سیاسی روش واحدی وجود ندارد، اما معیارهایی وجود دارد که مهمترین آن اراده مردم است. همچنین ضروری است که ببینیم سایر کشورهای مسلمان چگونه میان اعمال شریعت و نظام مبتنی بر قانون اساسی مدرن که بر اراده مردم استوار است، تعادل ایجاد نموده‌اند.

حقوق زنان، آزادی رسانه‌ها و سایر حقوق اساسی

فشار داخلی و بین‌المللی بر طالبان برای تغییر سیاست‌های آنها در مورد زنان باید افزایش یابد. برای جلوگیری و دور زدن تأثیر منفی ممنوعیت تحصیل زنان، باید راه‌هایی از جمله ارائه آموزش آنلاین به زنان بررسی شود. با این حال، این راه برای دراز مدت نه پایدار است و نه مناسب.

رسانه‌ها در پی تسلط نظامی طالبان در افغانستان آزادی خود را از دست داده‌اند. اداره استخبارات طالبان، وزارت امر بالمعروف و وزارت اطلاعات و فرهنگ بر رسانه‌ها کنترل سیستماتیک اعمال می‌کنند. فعالیت برخی از رسانه‌های مطرح ممنوع شده

است. علاوه بر این، کمبود درآمد بر فعالیت بسیاری از رسانه ها پایان داده و تعداد بیشماری از خبرنگاران شغل خود را از دست داده اند. علاوه بر این، فعالیت های شخصی و حتی فعالیت های خبرنگاران در شبکه های اجتماعی توسط طالبان تحت نظر قرار دارند. رویه خاصی برای دستگیری قانونی روزنامه نگاران وجود ندارد. آنها همچنین فهرستی از آن افرادی منتشر کرده اند که رسانه ها نمی توانند با آنها مصاحبه انجام دهند.

رسانه های در تبعید این شکاف را تا حد زیادی پر کرده اند. در حالی که دسترسی آنها به اطلاعات یک چالش بزرگ است، آنها باید به کار خود ادامه دهند و روی حرفه ای سازی تیم های خود کار کنند. اعضای طالبان عمدتاً از رسانه های اجتماعی برای تغییر نگرش عمومی از طالبان استفاده می کنند. رسانه های در تبعید با ارائه تصویری واقعی از وضعیت و نقض سیستماتیک حقوق بشر، می توانند با گسترش چنین برداشت های نادرست مقابله کنند.

رسانه های اجتماعی تأثیر فوق العاده ای بر جنبش های زنان داشته و به خواست های زنان صدا بخشیده اند. برخی از زنان حتی از انجمن های آنلاین برای فعالیت های تجاری استفاده می کنند. رسانه های اجتماعی همچنین به هماهنگ سازی جنبش های زنان در منطقه، به ویژه در میان زنان افغانستان و ایران، کمک کرده اند. ترس از اخراج کامل زنان از رسانه ها وجود دارد. راه های جایگزین مانند کانال های رسانه های اجتماعی می توانند به طور بالقوه این شکاف را پر کنند.

فرهنگ معافیت از مجازات هرگونه تلاش برای صلح در افغانستان را تضعیف می کند. عاملان نقض حقوق بشر باید با استفاده از مکانیزم های بین المللی پاسخگو باشند. محکمه بین المللی جزایی و محکمه بین المللی عدالت، که افغانستان در هر دو عضویت دارد، می توانند محل پاسخگو ساختن ناقضین حقوق بشر باشند. نهادهای جامعه مدنی می توانند در مستندسازی شواهد و ارائه آن به محاکم مربوطه کمک کنند.

مشارکت جوانان و زنان

جوانان اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند. بیش از نیمی از جمعیت زنان هستند. با توجه به رنج زنان و جوانان، این دو گروه باید در هر گونه گفتگو در مورد آینده افغانستان حضور پر رنگ داشته باشند. رعایت حقوق همه (به ویژه زنان) حتمی است. برای این منظور، تغییر رویکرد رایج منفعت محور فردی به رویکرد نهادی در سازمان های جامعه مدنی ضروری است.

امور بشردوستانه، جمع آوری درآمد و پاسخگویی

رفاه اجتماعی و اقتصادی با ۲۸.۳ میلیون شهروند افغانستان که در فقر زندگی می کنند به شدت تضعیف شده است. سیاست‌های طالبان مانند ممنوعیت کار زنان در بخش کمک‌های بشردوستانه، بحران را تشدید کرده و بر ارسال کمک‌ها و کیفیت خدمات تأثیر گذاشته است.

باید یک مکانیزم موثر برای ارزیابی دقیق فرآیند ایجاد شود تا اطمینان حاصل شود که تحویل و توزیع کمک‌ها شفاف است.

از آنجایی که سازمان ملل به یک حامل کلیدی کمک‌های بین‌المللی به افغانستان تبدیل شده، بسیار مهم است که سازمان ملل در قبال مخارج و توزیع کمک‌های خود به مردم نیازمند پاسخگو باشد. در حال حاضر چنین مکانیزمی وجود ندارد. ما از سازمان ملل می‌خواهیم تا گزارش نحوه مصرف کمک‌های دریافتی در افغانستان را منتشر نماید.

به ادعای یک تعداد گزارش‌ها، در عواید افزایش آمده که ۵۴ درصد آن از عواید گمرکی بوده است. استدلال شده که با توجه به سطح وخیم فقر و بیکاری، افزایش درآمد مالیاتی می‌تواند نشان‌گر کارایی یا اخاذی باشد. علاوه بر این، تقریباً نیمی (۴۵٪) از بودجه به بخش امنیتی اختصاص داده شده است. در حالی که جمع آوری درآمد بهبود می‌یابد، فساد در سطوح بالا وجود دارد و نحوه مصرف درآمدها غیر شفاف است.

سکتور خصوصی

بخش خصوصی در نتیجه فروپاشی دولت تحت تأثیر نامطلوب قرار گرفته و سرمایه‌گذاران ۴۰ تا ۶۰ درصد از سرمایه/سرمایه گذاری‌های خود را از دست داده‌اند. بخش خصوصی دوست دارد بی‌طرفی خود را حفظ کند تا به فعالیت خویش ادامه دهد و خسارات وارده به آنها را جبران کند. علاوه بر این، پیوندهای بخش خصوصی با مؤسسات مالی و تجاری بین‌المللی باید بازبایی شود.

تعامل بین‌المللی و منطقه‌ای و نقش سازمان ملل متحد

قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و همسایگان افغانستان باید با طالبان به گونه‌ی مشروط تعامل داشته باشند و این تعامل شفاف، پاسخگو و با احترام به حقوق بشر باشد. طالبان حاضر نیستند با دیگر گروه‌های سیاسی بنشینند مگر اینکه فشار جامعه جهانی بر آنها افزایش یابد.

با حرکت رو به جلو، جامعه بین‌المللی باید با تمام افغان‌ها برای رسیدگی به چالش‌های پیش روی مردم همکاری نزدیک داشته باشد. برای تسهیل گفتگوها، یوناما در راستای مأموریت تجدید شده خویش، باید نقش منفعلانه خود را کنار گذاشته و با تمام ذینفعان، از جمله جامعه مدنی در تبعید، وارد تعامل جدی شده و ترسیم نقشه راه برای ایجاد یک حکومت قانونی و نماینده در افغانستان را تسهیل کند.

تعامل منطقی با طالبان بر اساس منافع کوتاه مدت، و نه برنامه ریزی استراتژیک استوار است. طالبان نتوانسته اند انتظارات قدرت های منطقی و بازیگران جهانی را در قسمت مبارزه با تروریسم و انکشاف اقتصادی بر آورده نمایند.

عدم تعامل با نیروهای سیاسی غیرطالبان محسوس است که ناشی از ناتوانی آنها در جمع شدن و شکل دهی یک روایت واحد از آنچه آنها برای افغانستان می خواهند، می باشد. در غیاب یک دیدگاه یا روایت مشترک برای آینده افغانستان در میان عناصر ضد طالبان، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، حتی از نظر تاکتیکی، با طالبان وارد تعامل می‌شوند تا منافع خود را دنبال کنند. این حرکت تنها زمانی تغییر خواهد کرد که روایت مشترک و نیروی بدیل سیاسی جدید برای طالبان ظهور نماید. فرآیندها و مکانیزم‌های مانند کنفرانس‌های که توسط مرکز دیالوگ و ترقی - ژنو سازماندهی شده اند و تلاش‌های مشابه باید برای کمک به ایجاد و دستیابی به وحدت ادامه و تقویت شوند.

در یک نظم بین‌المللی که به تازگی در حال تحول است، توجه به دو بعد داخلی و خارجی بسیار مهم است. پس از تجارب طولانی و دردناک و با توجه به موقف‌های در حال تغییر در منطقه، در عرصه داخلی، تمرکززدایی و در سطح بین‌المللی، سیاست خارجی بی طرفانه به عنوان عنصری برای دستیابی به ثبات مورد بررسی قرار گرفته است.

در افغانستان پس از آمریکا/ناتو، منطقه می تواند و باید نقش فعالی در برقراری صلح در افغانستان داشته باشد. در این زمینه، نگرانی‌های مشروع همه کشورهای منطقه باید مورد توجه قرار گیرد.

شبکه سازی در میان اعضای جامعه مدنی

ایجاد هماهنگی و مشارکت بهتر در میان اعضای جامعه مدنی، اگر می‌خواهند در شکل‌گیری آینده دموکراتیک در افغانستان صدایی داشته باشند، کلیدی است.

از مرکز دیالوگ و ترقی - ژنو خواسته می شود که به تسهیل گفت و گو میان اعضای جامعه مدنی ادامه دهد و بحث های موضوعی و کارشناسی را سازماندهی داده که توصیه های روشنی را در مورد جنبه های مختلف آینده افغانستان ارائه دهد. پس از پایان دو کنفرانس مهم، زمان نهادینه سازی و تنظیم شبکه جامعه مدنی و گروه های حرفه ای که در موفقیت این گفت و گوها سهم داشته اند، فرا رسیده است. مرکز دیالوگ و ترقی - ژنو به عنوان دارلانشاء برای هماهنگی و تسهیل بررسی

بحث ها، پالیسی های ارائه شده مکتوب، و ترسیم برنامه ریزی مشترک برای فعالیت های شبکه در سال های آینده عمل خواهد کرد.

فناوری ها و پلتفرم های دیجیتال می توانند شبکه سازی سازمان ها و فعالین جامعه مدنی را تسهیل کنند. مدلی از بستر مجازی برای گردهمایی جامعه مدنی به شرکت کنندگان در کنفرانس معرفی گردید. مرکز دیالوگ و ترقی - ژنو این مدل را تقویت خواهد داد.

مرکز دیالوگ و ترقی - ژنو متعهد به کار روی اجرایی سازی توصیه های کنفرانس، از جمله سازماندهی گفتمان در مورد موضوعات خاص مانند چارچوب حقوقی و قانون اساسی، تسهیل تعاملات آنلاین و حضوری شرکت کنندگان، عملیاتی کردن شبکه جامعه مدنی و تشکیل گروه های کارشناسی برای سهم گیری در هر گونه گفتگوی ملی در مورد آینده افغانستان، می باشد.

---پایان---

